

زولتان کوچش

استعاره‌ها از کجا می‌آیند؟
شناختِ بافت در استعاره

ترجمه

جهان‌شاه میرزاییکی



فهرست

۷	پیش‌گفتار
۱۳	فصل یکم: استعاره، جسمانیت و بافت
۳۵	فصل دوم: معنی‌سازی
۵۷	فصل سوم: نظام مفهومی
۸۳	فصل چهارم: عواملِ بافتی
۱۱۹	فصل پنجم: استعاره و فرهنگ
۱۵۷	فصل ششم: خلاقیت بافت القاشده
۱۸۹	فصل هفتم: بافت و استعاره در شعر
۲۱۵	فصل هشتم: بافت مفهومی شوخ‌طبعی زبانی
۲۵۱	فصل نهم: خوش‌حالی در بافت
۲۸۵	فصل دهم: استعاره و بافت
۳۲۳	منابع

پیش‌گفتار

کار بر روی استعاره، که با اثر پیش‌گام لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) زیر نام استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم شروع شد، آشکارا نشان داد که استعاره‌ها جزء جدایی‌ناپذیر زبان و اندیشه روزمره ما هستند. هم زبان روزمره و هم نظام مفهومی‌ای که ما برای مقاصد روزمره به کار می‌بریم از استعاره‌های زبانی استعاره‌های مفهومی متناظری استفاده می‌کنند که در زیربنای استعاره‌های زبانی قرار دارند. اثر قبلی لیکاف و جانسون و همین‌طور بسط و گسترش اخیر آن نشان می‌دهد که ماهیت نظام مفهومی انسان شدیداً استعاری است و ما استعاره‌ها را در جریان ارتباطات عادی روزمره به راحتی و به صورت ناآگاه به کار می‌بریم. آنچه در این دیدگاه این امر را امکان‌پذیر می‌سازد این است که استعاره‌های مفهومی متشکل از مجموعه‌هایی از تناظرها، یا نگاشت‌های منظم میان دو حوزه تجربه هستند و معنی هر عبارت استعاری خاص که یک استعاره مفهومی زیربنایی را محقق می‌سازد مبتنی بر چنین تناظرهایی است. چون استعاره‌های مفهومی و نگاشت‌های آن‌ها به راحتی دست‌رس‌پذیرند، سخن‌گویان/ مفهوم‌سازان در جریان ارتباطات روزمره، هر زمان به معنی‌های مبتنی بر این نگاشت‌ها نیاز داشته باشند، می‌توانند آن‌ها را به راحتی به کار ببرند.

آنچه این دیدگاه به ظاهر می‌نمایاند این است که گویی برقراری ارتباط به کمک استعاره فقط مسئله دانش ما از استعاره‌های مفهومی و نگاشت‌های آن‌هاست که در ذهن ما انبار شده‌اند. ظاهراً ارتباط و مفهوم‌سازی به کمک استعاره حاصل یک مجموعه استعاره از پیش موجود است که به یک مجموعه